



شاید نام او را کمتر شنیده باشید اما او در تاریخ سیاسی ایران نقش بسزایی داشته است. ملایی که اگر چه دارای‌های بسیار داشت اما از تمام دارایی‌اش یک عبا و یک عمامه بود که همه ملا را با آنها می‌شناختند و قوت غالبش نان خشک و آب! اما در بزرگه خیل حامیانش تمام پایتخت را شامل می‌شد.

حاج ملاعلی کنی سال ۱۲۲۰ هجری قمری در قریه کن از روستاهای حومه غرب تهران به دنیا آمد. ملاعلی شاگردی اساتیدی چون صاحب جواهر، شیخ حسن کاشف‌الغطا و شیخ مرتضی انصاری را داشت. او تولیت مدرسه مروی را- که عالم درجه اول تهران باید به‌دست بگیرد - در اختیار داشت.

حاج ملاعلی کنی یگانه ملجأ مردم بود. ایشان با شجاعت تمام در مقابل سیاست‌های غلط دربار که سبب نابودی دین و وضع معیشت مردم می‌شد ایستادگی می کرد و با پشتیبانی ملت، دربار و سیاست‌های استعماری آنها را به شکست می‌کشاند. ملا اولین حاکم شرع تهران بود که مالیات شرعی را در تهران وضع کرد. ورود او در مسائل متعددی نتایجش مردم ایران بود.

■ **فراموشخانه:نخستین تشکیلات فراماسونری در ایران**

تشکیلات فراماسونری همگام با استعمار وارد کشورهای زرخیزی مانند ایران شد و از طریق عناصر مرموز خود فرهنگ منطح خود را وارد این کشورها کرد و منابع آنها را به غارت برد. از جمله این عناصر و مجری سیاست‌های استعماری در ایران «میرزا ملکم‌خان» بود. وی ارمنی بود و بنابر مصلحت به ظاهر اسلام آورد. او اولین تشکیلات فراماسونری را در ایران دایر کرد به نام «فراموشخانه».

■ **امانیسم، آزادی، برابری و برادری**



ملکم‌خان شعارهای فراماسونری را در ایران رواج می‌داد مثل امانیسم (اصالت انسان)، آزادی، برابری و برادری که اینها همه با دین اسلام ضدیت داشتند. با بیان امانیسم خادمجوری را کنار می‌گذاشت، منظورش از آزادی، آزادی از بند استبداد و ظلم و ستم شاه نبود بلکه آزادی از دین و قیود دینی و معارف الهی بود، با بیان کردن شعار برابری مسلمان را در کنار یهودی و مسیحی و زرتشتی و بهایی وی… می‌شمرد و فرقی بین آنها قائل نمی‌شد.

■ **ملکم‌خان: اگر می‌خواهیم آدم شویم باید ۲۰۰ سال خود را در اختیار انگلستان قرار دهیم**
وی برای اینکه با مخالفت علما مواجه نشود حرف‌های خود را در هاله‌ای از مطالب اسلامی می‌زد؛ حتی بیان می‌کرد فراماسونری همان «حزبالله» است و برای ادعاهای خود متوسل به آیات قرآن می‌شد. وی همان کسی است که گفت اگر می‌خواهیم آدم شویم باید ۲۰۰ سال خود را در اختیار انگلستان قرار دهیم!

■ **ملاعلی کنی خطر ملکم‌خان را به ناصرالدین شاه گوشزد می‌کند**

حاج ملاعلی کنی با این چهره‌ها و جریانات در داخل کشور به مقابله برخاست؛ در واقع این مبارزه، تقابل و رویارویی روحانیب بود با جریان استعمار. ایشان در نامه‌ای به ناصرالدین شاه قاجار وجود میرزا ملکم‌خان ارمنی را در دستگاه فراموشخانه موجب نابودی مذهب و ملت دانست و با شجاعت تمام نوک پیکان حملات خود را به سمت شاه نشانه گرفت و او را خائن خواند و نوشت:

«عرض می‌شود اگر علمای اعلام در مسائل دولتیبه - خدای نخواستہ - مشاهده فرمایید و به خاکبای مبارک برحسب رضای اقا مخدوم عرض کنند،فضولی نکرده بلکه فضول باید کسی باشد که این را فضولی بنامد. بر علما و غیر علما لازم است عرض کنند، پسند خاطر مبارک شود یا نشود، در مقام اصلاح آن برآیند یا نینابند… ما دعاگویان، بلکه عموم اهل ایمان عرض می‌کنیم که شخص میرزا ملکم‌خان را ما دشمنن دین و دولت دانسته‌ایم و به هیچ وجه صلاحیت وکالت از دولت و سلطنت و انتظام ملک و مملکت ندارد که به خطاب و لقب «ناظم‌الملکی» مخاطب و ملقب باشد و هرکس باعث این امر شده است، خیانت کلی به دین و دولت نموده است که چنین دشمن جانی را مداخله در کارهای بزرگ دولت داده است. مدت زمانی نگذشته که در دار‌الخلافه…مجلس فراموشی ترتیب داده بود و به این تزویر و شعبده، در خیال تصاحب ملک و دولت و اضمحلال مذهب و ملت بود و الزام مواسات و یک جهتی و هم عهدی اگرگفته بودا که هر یک در پای دیگری در مقام تمام مال و جان بایستند و تا یکی آوازی برآورد همه حاضر و ناظر باشند و در دقت اجرای شروط و فرصت و جمع اسباب نهضت و حرکت، همگی یک دفعه حمله‌رو شوند و بر غیر هر که باشند بتازند و هرچه بخواهند بگیرند و ببرند…».

■ **ملاعلی: صاحب شریعت که چیزی را در امور زندگی فرونگذاشته، چرا وضع فراموشخانه را از خاطر محومی فرمود؟**

ایشان در نامه دیگری به ناصرالدین شاه تعارض مرام فراموشخانه را با شریعت اسلام گوشزد می‌کند و می‌نویسد:

«پیروی احکام الهی که لازمه تدین است، هیچ احتیاجی به قواعد ملل و آداب دیگر ندارد. صاحب شریعت که چیزی را در امور زندگی فرو نگذاشته، چرا وضع فراموشخانه را از خاطر محو می‌فرمود؟ اگر مقصود اخوت است که فرموده‌اند:

المؤمنون اخوه.

اگر غرض، جماعت و جمعیت است که خمس و زکات را مقرر داشته‌اند. اگر دفع ظلم و تعدی است که باید حدودات شرعی و تهدیدات اخروی را کافی بدانیم. اگر معنی اختیار و آزادی این است که تحت حکم دیگری نباشیم و خود بشخصه هر کاری بخواهیم بکنیم، این منافی اساس خداوندی است؛ چه امور دنیا مهممل و معطل خواهد ماند. اگر از اول خلقت، امتیازات برداشته و مرفع می‌شد و همه مساوی بودند، هیچ کاری در دنیا پیشرفت نمی‌کرد [خلاصه آنکه] آداب تعیش و زندگی و نزدیکی به حقیقت و تحصیل ماحصل، هر دو نشأت از کلام مجید فرموده… پس در این صورت پیروی به قواعد و قوانین الهی نکردن و به عقاید دیگر تاسی نمودن، کفر محض و محض کفر است.»

■ **به آتش کشیدن فراموشخانه**

بنابراین آیت‌الله کنی(ره) به دلیل دین‌ستیزی ماسون‌ها حکم به تکفیر آنان داد و در اقدامی شجاعانه حمله به مرکز آنها را رهبری کرد و مردم مسلمان هم با شسور و هیجان، فراموشخانه - آن مرکز استعماری - را به آتش کشیدند. با مقاومت ملاعلی کنی و علما و مردم مسلمان، ناصرالدین شاه مجبور شد حکم به تعطیلی فراموشخانه بدهد.

■ **امتیاز رویتر؛ کودتای اقتصادی**



سال ۱۲۸۹ ق (۱۸۷۲ م) قراردادی در تهران میان ناصرالدین شاه و نماینده رویتر به امضا رسید که در صورت اجرا تسلط کامل اقتصادی و به دنبال

آن سیاسی انگلستان بر سرتاسر ایران برقرار می‌شد. «بارون ژولیوس دو رویتسر» یهودی‌ای آلمانی بود که به تابعیت انگلیس درآمده بود. او مؤسس خبرگزاری رویتسر و از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران بین‌الملل به شمار می‌رفت. اصول کلی این امتیاز عبارت بود از:

- امتیاز انحصاری ایجاد راه‌آهن سرتاسری ایران
- از دریای خزر به خلیج‌فارس، با حق تأسیس شعبه فرعی در داخل و اجازه وصل راه‌آهن سراسری به راه‌آهن‌های خارجی؛ سهم دولت ۲۰ درصد از منافع راه‌آهن.
- واگذاری اراضی خالصه مورد احتیاج رویتر به صورت مجانی.
- استفاده از مصالح مورد نیاز از قبیل سنگ و خاک و … به صورت مجانی.
- حق استخراج همه معادن ایران (نفت، زغال سنگ، آهن، سرب و مس) و هر معدن دیگر که خود کمپانی مایل به استخراج آن باشد، به استثنای معادن طلا و فیروزه و سایر جواهرات! سهم دولت ۱۵ درصد.

■ **حق استفاده مطلق از جنگل‌های طبیعی ایران به هر نحو و به هر ترتیب که شرکت رویتر صلاح بداند.** کمپانی مجاز بود درختان این جنگل‌ها را برای به کار بردن و ساختمان راه‌آهن سراسری قطع کند.
■ **دولت به گیرندگان این امتیاز حق انحصاری می‌داد در طول مدت امتیاز (۷۰ سال) در سرتاسر ایران برای تغییر مسیر رودخانه‌ها و انحراف آنها به سایر نقاط کشور و همچنین برای ساخت سد‌ها و دریاچه‌های مصنوعی، کندن چاه عمیق، ایجاد کانال‌های مصنوعی به هر نحو و به هر قیمتی که صلاح بداند، اقدام کنند.** زمین‌هایی که در نتیجه این تأسیسات آباد می‌شد و همچنین سود حاصل از فروش آنها به زارعان ایرانی، جملگی به شرکت رویتر تعلق می‌گرفت، سهم دولت ۱۵ درصد.

■ **دولت تحت این قرارداد تعهد می‌کند جمع‌آوری همه درآمدهای گمرکی ایران را به مدت ۲۵ سال به رویتر واگذار کند، سهم دولت ۶۰ درصد.**
■ **در صورتی که دولت تصمیم می‌گرفت امتیاز تأسیس بانک ملی را در ایران به یک نفر خارجی واگذار کند، این حق براساس قرارداد، به شخص رویتر تعلق می‌گرفت.**
■ **دولت متعهد می‌شد برای هر نوع کارها و اقدامات عمرانی از قبیل احداث راه‌های شوسه، ایجاد چاپارخانه (پست‌خانه)، تأسیس خطوط تلگرافی، ایجاد کارخانه‌های آهن‌سازی و ذوب‌آهن، نصب چراغ‌های گاز، سنگ‌فرش کردن کوچه‌ها و خیابان‌ها و تزئین پایتخت، حق اولویت مطلق را به رویتر قائل شود.**

■ **کارگردان این خیانت بزرگ چه کسی بود؟** کارگردان اصلی و پشت‌پرده این خیانت آشکار میرزا ملکم‌خان و میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم وقت بودند. این امتیاز بدون هیچ‌گونه فشار خارجی و فقط بنابر اصرار زیاد سپهسالار به تصویب رسید.

این دو نفر تنها به خاطر غرب‌باوری و منافع شخصی خود، همه منابع طبیعی یک ملت فقیر را به یک سرمایه‌دار یهودی واگذار کردند و کشور را به سراسیمگی هلاکت و سقوط کشاندند. رویتر برای کسب این امتیاز رشوه‌هایی را به برخی رجال ایرانی پرداخت کرد. اعتماد السلطنه در این زمینه می‌نویسد:

«مبلغ ۵۰ هزار لیره به صدراعظم (میرزا حسین‌خان مشیرالدوله) و در همین حدودها به ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ۲۰ هزار لیره به حاج محسن خان معین‌الملک، ۲۰ هزار لیره به منیرالدوله، مبلغی که اقبال‌الملک و دیگران رسید و خلاصه کلام اینکه برای اخذ این امتیاز، بارون رویتر قریب ۲۰۰ هزار لیره به رجال ایرانی رشوه داد.»

■ **غرب در حیرت فرو می‌رود**
مفاد این امتیاز به‌گونه‌ای است که اروپاییان در بهت و حیرت فرو می‌روند.
لرد کرزن درباره این امتیاز روّیایی گفت: «کامل‌ترین و غیرعادی‌ترین تسلیم تمام منابع صنعتی یک دولت به دست خارجی که شاید بتوان در خواب دید و در تاریخ کمتر نظیری دارد.»

متن این قرارداد منتشر شد، نفس اروپا از حیرت بند آمد، زیرا تا آخر تاریخ در صحنه معاملات بین‌المللی چنین امری سابقه‌ناشت که پادشاهی تمام ثروت‌های زمینی، زبرزمینی و منابع طبیعی، پولی و اقتصادی کشورش را بدین سنان مفت و



بخت و حیرت فرو می‌روند.

متن این قرارداد منتشر شد، نفس اروپا از حیرت بند آمد، زیرا تا آخر تاریخ در صحنه معاملات بین‌المللی چنین امری سابقه‌ناشت که پادشاهی تمام ثروت‌های زمینی، زبرزمینی و منابع طبیعی، پولی و اقتصادی کشورش را بدین سنان مفت و

عامل خنثی شدن کودتای اقتصادی رویتر چه کسی بود؟

# ملاعلی کنی، مجاهد گمنام

- بهزاد هاشمی

دریست در اختیار یک سرمایه‌دار خارجی گذاشته باشد.»

«تی یر»، سیاستمدار فرانسوی عنوان کرد: «برای شاه، جز هوا، چیزی باقی نگذاشته‌اند.»

الکساندر دوم (تزار روسیه) در ملاقات خصوصی با ناصرالدین شاه اظهار داشت: «علیحضرت! با اعطای این امتیاز بآلابلند، تقریباً تمام منابع و ثروت و هست و نیست کشورتان را در دست به بارون رویتر بخشیده‌اید. جز هوایی که ایرانیان برای نفس کشیدن لازم دارند که آن هم خوشبختانه قابل معامله نبوده است اگرنه مردم ایران ناچار می‌شدند حتی هوایی که از منخرین (دو سوراح بینی) فرو می‌برند، از یک سرمایه‌دار بریتانیایی بخرند.»

■ **ناصرالدین شاه: «بر پدر خائن لعنت!‌»**



جالب است با تمام این اوصافی که خود غربیان از این قرارداد تنگین دارند، ناصرالدین شاه بسیار به آن علاقه‌مند بود و نگران به هم خوردن قرار بود. وی در نامه‌ای به سپهسالار صدراعظم می‌نویسد:

«جناب صدراعظم، ان‌شاءالله تعالی اگر این کار را خوب انجام بدهید خدمتی به دین و دولت کرده‌اید که مافوق ندارد!) اما بسیار می‌ترسم آن شخصی که با این امتیاز مخالفند - چه از داخل و چه از خارج - سرانجام عقیده کوت (نماینده تام‌الاختیار رویتر) را به هم بزنند و او را از این معامله منصرف کنند. این مردم را من خوب شناخته‌ام؛ در این چند روزه باید خیلی مواظب کوت باشید که با مردم ایرانی و فرنگی کمتر آمیزش کند. تلگراف رویتر هم هر وقت برسد فوراً به عرض برسانید، خیلی مواظب باشید که کوت را تترسانند. بر پدر خائن لعنت!‌»

■ **نامه هشدار آمیز ملاعلی به شاه**

آیت‌الله حاج ملاعلی کنی در نامه اعتراض‌آمیز خود به شاه، ضمن انتقاد شدید از سپهسالار و ملکم‌خان که بانیان انعقاد قرارداد بودند، زبان‌های قرارداد را برشمرد و بیان کرد دولت آشاه اصلاح دختل در امور مردم را ندارد:

«... بریای مساوی اوقات از راه محکم دیگری که خیلی محکم‌تر و واضح‌تر و شدیدتر است در همان خیالات افتاد که احداث راه‌آهن بفرمایید با شروط و تمهیدات و موافقت چندی از قرار مسموع و مکتوب در عهدنامه، آنکه جمیع خلق مجبور بر تسلیم اموال و املاک خود باشند از قبیل جنگل‌ها و معادن و قنوات، بلکه سلطان با اقتدار نیز در این اجبار داخل باشد که املاک خالصه و زرخریدی و معادن و رودخانه‌ها را بتوانند به اجبار ببرند، به حدی که اگر پس از زمانی دولت بخواهد رفع آنها را بکند، جمیع نفوذ خزانه عامره و نفوذ اجناس متداوله موجود در دست رعایا، وفا به ادای تاوان و زبان آن نماید و اگر دسترس نتابند، گوینده را می‌رسد که بگوید و ببرسد دولت را چه تسلط است بر املاک و اشجار و آب و اراضی رعایا که حتما بفروشند؟ گمان ندارم در شرع خود بلکه سایر ادیان، تجویز این قسم اجبارها شده باشد.»

ملاعلی کنی در پایان این نامه خود دوباره خطر میرزا ملکم خان و افکار او را اشاره می‌کند و چنین می‌نویسد:

«... حال که متذکر شدم لازم دانستم که از آن خیانت نیز اشاراتی به نحو اجمال، معروض دارد و آن قفره، کلمه قبیحه «زادی» است که به ظاهر خیلی خوش‌نماست و خوب و در باطن سراپا نقص است و عیوب. این مساله برخلاف جمیع احکام رسل و اوصیا و جمیع سلاطین عظام و حکام والاهمام است. به این جهت در نوشته دیگری نوشته بودم «وعلی‌الاسلام سلام» و دولت را وداع تام و تمام باید نمود به‌واسطه اینکه اصل شرایع و ادیان در هر زمان، خود قید محکم سخت و شدیدی بوده و می‌باشند که ارتکاب مناهی و محرمت نمایند، متعرض اموال و ناموس مردم نشوند و هکذا.

برخلاف مقاصد و انتظام دولت و سلطنت است که هر کس هرچه بخواهد بگوید و از طریق تقلب و فساد، نهب (غارت) اموال نماید و بگوید: «زادی است و شخص اول مملکت، همه را آزاد کرده است و در معنی به حالت وحوش برگردانیده». معلوم است نفوس، بالطبع طبیعت شیطانی، مایل به هوا و هوس و برآوردن مشتبهیات خودند. همین، مایه بی‌نظمی و زیادی تاخت و تاز شده و هیچ کس نمی‌تواند چاره کند. این است که قاطبه علما و فضلا را به صدا درآورده، حکام و داروغه را خانه‌نشین و عاجز نموده.»

■ **لغو امتیاز رویتر؛ نخستین ضربه بر پیکر استعمار**
در نهایت با فشار علما یبوسه مرحوم آیت‌الله ملاعلی کنی رضوان‌الله تعالی علیه، امتیاز رویتر نیز لغو شد. این اولین ضربه‌ای بود که این چنین از جانب روحانیت بر پیکر استعمار زده شد و دیگر تا

زمانی که ملاعلی در قید حیات بود ناصرالدین شاه جرأت تکرار چنین کاری را نداشت تا اینکه پس از رحلت ایشان داستان قرارداد رژی (تنباکو) به‌وجود آمد که آن نیز به رهبری مرجعیت شیعه میزرای شیرازی با شکست مواجه شد.

ماده ۲۲ قرارداد رویتر، کمپانی را متعهد می‌ساختت متمسک کارهایی را که به موجب این قرارداد بسه عهده گرفته است، همه را یکجا و همزمان با شروع ساختمان راه‌آهن آغاز کند و حد اعلاّی اهتمام را در پیشرفت این کارها منبذول دارد. دولت ایران این ماده را بهانه لغو قرارداد در نظر گرفت تا امتیازگیرنده را مقصر جلوه دهد و اعلامیه بطلان قرارداد را به صورت زیر منتشر کرد:

«هو

اعلان رسمی

چون بارون ژولیوس رویتر در موضوع قرارداد مربوط به راه‌آهن و سایر تعهدات که با دولت ایران منعقد کرده بود به وعده‌های صریح مندرج در آن قرارداد وفا نکرده و عملیات لازم را سر موعد معین شروع نکرده است، لذا دولت ایران به موجب حقی که به مدلول فصول قرارداد برای خود محفوظ نگاه داشته بود، قرارداد مزبور را ملغی و «کان لم یکن» اعلام نمود. تصمیم دولت علیه، عینا به وکیل بارون رویتر که فعلا مقیم دارالخلافه (تهران) است ابلاغ شد.»

■ **نفوذ و اقتدار حاج ملاعلی کنی**

نفوذ و قدرت ملاعلی کنی به حدی بود که میرزا محمدمهدی لکنهوی می‌نویسد:

«اینک حکم محکم ایشان مشابَهت ندارد. از سلطان و شاهزادگان و امرا کسی را جرأت آن نیست که بی‌اذن ایشان اقدام بر تکلم نماید و یا بی‌مشورت ایشان اجراء مطلبی بنماید. امرای عصر حتی ناصرالدین شاه قاجار از وی خائف می‌بودند و شاه مذکور مکرر به خانه‌اش به جهت ملاقات می‌آمد.»

■ **سربازان سفارت خطاب به سفیر آمریکا: اگر**

**حاجی ملاعلی امر کند همه شما را می‌کشیم**
همچنین اولین سفیر آمریکا در ایران درباره اقتدار ملاعلی در خاطرات خود چنین می‌نویسد: «... حکام شرع، ملا یا مجتهد نامیده می‌شوند که بزرگ‌ترین مجتهدهای حالیبه که به منزله رئیس عدالتخانه حالیه ممالک فرنگ است، حاجی ملاعلی کنی است... حاجی ملاعلی شخص مسنی است و ظاهرا مایل به تجمل نیست بلکه میل به سادگی زیاد دارد، اگر چه املاک او زیاد است، معهذای نمی‌خواهد جلال و ظاهرسازی سفید دهد. وقتی در کوچه‌ای راه می‌رود بر قاطر می‌سیرد هیچ سوار می‌شود و فقط یک نفر نوکر دارد اما جمعیت از هر طرف کوچه به جلوی او ازدحام می‌کنند مثل اینکه وجودی ملکوتی است، اگر یک کلمه بگوید، می‌تواند اعلی‌حضرت شاه را از سلطنت خلع کند. وقتی به نزد اعلی‌حضرت شاه می‌آید، پادشاه به جهت احترام او قیام تمام به عمل می‌آورد. سربازهایی که در سفارت ممالک متحده آمریکا قراول می‌کشیدند به من گفتند اگرچه ما برای وجود شما اینجا فرستاده شده‌ایم، اما اگر حاجی ملاعلی امر کند همه شما را می‌کشیم! شخصی که اکنون دارای چنین اقتدار فوق‌العاده‌ای است، پیرمرد ملایم و خوش‌حالتی است و به واسطه تجربه‌ای که در امور دارد می‌داند باید از اعمال خشونت حذر نمود. ولی باید دانست در ایران هر اصلاح و نظمی را که بخواهند مجری سازند باید اول به لحاظ حاجی ملاعلی برسد. در امور متعارف حکم مجتهدی از مجتهدهای متوسط جاری است، ولی در امور مهم باید مساله را به لحاظ حاجی ملاعلی برسانند یا تفصیلات را شفاهاً به عرض او می‌رسانند، یا سوال می‌کنند.»

■ **ناصرالدین شاه: برگشتن بهتر است**

ناصرالدین شاه نیز از این قدرت و اقتدار ملاعلی کنی بیبمان بود. نوشته‌اند روزی ناصرالدین شاه به منظور ششکار، به همراه اطرافیان خویش از دروازه شهر خارج شد. هنوز مسافتی را طی نکرده بود که از دور نگاهي به پایتخت کرد و در فکر فرورفت. پس از آن بی‌درنگ از شکار منصرف شد و به تهران بازگشت. یکی از درباریان سبب انصراف شاه را از شکار جویا شد، شاه در پاسخ گفت: «چون از دروازه بیرون رفتم، نگاهم به شهر و دروازه افتاد. این فکر در نظرم آمد که اگر حاجی ملاعلی کنی امر نماید در دروازه را بر روی من ببندند و باز نکنند، من چه خواهم کرد؟ از این رو ترس و وحشت مرا فرا گرفت و گفتم برگشتن بهتر است.»

حاجی ملاعلی کنی روز پنجشنبه ۲۷ محرم ۱۳۰۶ ق در ۸۶ سالگی در تهران به ملکوت اعلی پیوست و در ۳ صفر برحسب وصیت ایشان در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام دفن شد. به نوشته «اعتمادالسلطنه» اهالی تهران از شهری و روستایی، حتی اقلیت‌های دینی در مراسم تشییع او شرکت داشتند.

تقریب تاریخ

**روز بزرگداشت ادیب و عارف شهر شیخ فریدالدین عطار نیشابوری**

مشهور به عطار، شاعر و عارف نام‌آور ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری است. وی در ابتدا شغل عطاری داشته و پس از تغییر حال، در سلک صوفیان و عارفان درآمد. غیر از دیوان مفضل عطار، مثنوی‌های متعدد او مانند اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، خسرونامه، سی‌فصل و لسان‌الغیب‌و...مشهورند. معروف‌ترین مثنوی‌های عطار، منطق‌الطیر نام دارد و کتاب تذکرهٔ‌الاولیا در بیان مقامات عرفا نیز از آثار مشهور مشهور او است.

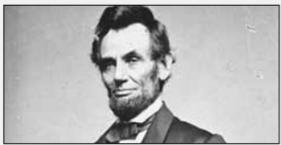
■ ■ ■

**مرگ امیراسدالله علم، نخست‌وزیر و وزیر دربار پهلوی (۱۳۵۷ ش)**

امیراسدالله علم در سال ۱۲۹۸ ش در بیرجند متولد شد. پدرش که از خوانین شهر قائن بود، از دوستان رضاخان به شمار می‌رفت. در سال‌های بعد با حمایت سازمان جاسوسی انگلستان، رهبری عده‌ای از روزنامه‌نگاران و دانشجویان و فعالان سیاسی جوان را به عهده داشت. عَلم بعدها در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نقشی جدی ایفا کرد و پس از کودتا با دریافت مشاغل حساس، پاداشی در خور گرفت. پس از کودتا نیز عَلم به رابط مطمئن شاه با دولت‌های آمریکا و انگلیس تبدیل شد. علم، طراح و مجری اصلی انقلاب سفید در سال‌های ۱۳۴۲–۱۳۴۱ به درخواست آمریکا و از آغاز دهه ۱۳۴۰بزرگ‌ترین بازیگر دربار پهلوی بود. سمت‌های نخست‌وزیری و مهم‌تر از آن، وزارت دربار شاهنشاهی، از عَلم چهاره‌ای مقتدر در نظام رهبری ایران ساخت. او از ۱۳۳۳ تا پایان عمر به مدت حدود ۲۴ سال وزیر دربار شاه و تصمیم‌گیرنده اصلی در نظام حکومتی کشور پس از شاه بود. سرانجام، اسدالله عَلم، این مهره سرسبزده طاغوت در ۵۹ سالگی به بیماری سرطان در نیویورک درگذشت. از وی دفترچه خاطراتی به جای مانده که حاوی اطلاعاتی‌ذی‌قیمتی از دربار فاسد شاه است که پس از مرگش منتشر شد.

■ ■ ■

**تور آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا (۱۸۶۵م)**



آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۲ فوریه سال ۱۸۰۹م در ایالت ایلینویز در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی، در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و از آن پس به وکالت روی آورد. مدت زمان زیادی طول نکشید که لینکلن به یکی از بزرگ‌ترین وکلای ایالت خود تبدیل شد و از آن به بعد وارد فعالیت‌های سیاسی شد. او در سال ۱۸۴۷م به نمایندگی کنگره آمریکا انتخاب شد و در نهایت در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت کرد و در سال ۱۸۶۱م به این مقام دست یافت. در این زمان، میان مردم جنوب و شمال آمریکا بر سر بردفروشی نزاع درگرفت و به صورت جنگ خونینی درآمد. لینکلن به محض روی کار آمدن، مبارزات شدید خود را علیه تبعیضات نژادی آغاز کرد. او در آغاز این جنگ‌های داخلی که به جنگ‌های انفصال مشهورند، بی‌دری به سمت می‌خورد ولی دشواری‌ها را به‌تدریج از سر راه برداشت تا اینکه با صدور اعلامیه آزادی بردگان، وعده آزادی همیشگی برده‌ها را در سراسر آمریکا از تاریخ اول ژانویه ۱۸۶۳م اعلام کرد. پس از این اعلامیه، جنگ‌های داخلی آمریکا شدت یافت ولی با مقاومت لینکلن، این قانون تصویب شد. آبراهام لینکلن سرانجام تنها چند روز پس از پایان جنگ‌های انفصال، در ۱۴ آوریل ۱۸۶۵م در حالی که دور دوم از دوران ریاست‌جمهوری خود را می‌گذراند، توسط یکی از طرفدارن بردگی در ۵۶ سالگی به قتل رسید. آبراهام لینکلن را در تاریخ آمریکا به‌عنوان فردی می‌شناسند که بانظام برده‌داری و اسارت سیاهپوستان به مبارزه برخاست. این برداشت همه مورخان است اما تمام مورخان در زمینه علت مبارزه با برده‌داری توسط لینکلن نظر واحدی ندارند. بعضی از آنها همسو با تبلیغات آمریکایی‌ها، این اقدام را یک حرکت معنوی در جهت بازگرداندن حقوق اجتماعی و انسانی سیاهان می‌دانند و بعضی دیگر که بی‌طرفانه‌تر به حقایق می‌نگرند، اصل مبارزه با برده‌داری را یک حرکت حساب‌شده برای جلب اعتماد و پشتیبانی قشر عظیم سیاهان آمریکا و به دست آوردن آرای موافق آنها در مواقعی که به وجدشان نیاز باشد، می‌دانند.